

چالش های امروز و فردای کشور ما

در این روزها که سرنوشت افغانستان در یک نخ باریک بسته شده و یک سرنخ بدست آقای کرزی و سردیگر نخ بدست دولت امریکا می باشد که در روند کشمکش های گزینه صفر و گزینه مثبت در بازی گرفته شده مردم افغانستان، منطقه و جهان را متحیر ساخته که بین این دو دوست ستر اثریک با اعتماد و وفادار چه درز عمیقی بوجود آمده که جنگ تبلیغاتی شان علیه یکدیگر رسانه ی شده و با گذشت هر روز عمیق تر شده می رود.

با وصف آنکه آقای کرزی متن موافقتنامه امنیتی را با جان کری، وزیر خارجه امریکا در پشت درهای بسته، پنهان از آگاهی مردم شخصن نهایی کرد و توافق شان را در زمینه اعلام داشتند. آقای کرزی میبایست یک کمیون مشورتی را از دانشمندان، سیاست مداران، اقتصاد دانان، حقوق دانان، نظامیان و جامعه مدنی دعوت مینمود تا مسوده متن موافقتنامه امنیتی را از زاویه منافع مشترک ملی افغانستان و امریکا مطالعه، تدقیق و بررسی مینمودند، بعدن نظریات و مشورت شان را به رئیس جمهور ارائه میداشتند که به جانب امریکا ارائه میشد و بعد از موافقه امریکا در متن موافقتنامه امنیتی گنجانبده میشد.

تصویب و امضاء آن از طریق طی مراحل و مجرای قانونی صورت میگرفت که به موافقتنامه مذکور مشروعیت قانونی داده میشد. اما آقای کرزی در عوض، لویه جرگه مشورتی را برای مشوره و تائید متن موافقتنامه امنیتی دایر نمود که به استثنای یک خانم که از کنترل شان خارج شد سخنرانی کرد، به سایر مخالفین موافقتنامه امنیتی اجازه ندادند که نظریات شان را در لویه جرگه اظهار مینمودند. لویه جرگه مشورتی در حالی دعوت شد که افغانستان در تارخام بسته شده بود که هر لحظه تهدید میشد و میشود، اگر موافقتنامه امنیتی امضاء نشود امریکا و سایر کشورهای خارجی عساکر خود را از افغانستان خارج مینمایند و کمک های اقتصادی خود را به افغانستان قطع مینمایند و جنگهای داخلی در افغانستان دوباره آغاز خواهد شد و افغانستان به سرنوشت عراق دچار خواهد شد. روی همین ترس، هراس و تهدید ها که در رسانه ها وسیعن به نشر رسید و در بین مردم تبلیغ شد، لویه جرگه مشورتی افغانستان موافقتنامه امنیتی را روی

اجبار و اگر راه کورکورانه تأیید کردند که با اصول دوستی های ستراتژیک تناقض داشت و دارد.

اگر در متن موافقتنامه امنیتی حد اقل توازن و تعادل منافع تعریف شده و مشترک افغانستان و امریکا وجود میداشت و یکجانبه نمیبود موجب اعتماد بیشتر طرفین میشد. نبود تعهدات مشخص و تعریف شده در مورد منافع افغانستان در متن موافقتنامه امنیتی شک و تردید های را در جامعه افغانی بوجود آورده که در نتیجه افغانها را به دو قطب موافق و مخالف تقسیم کرده که نه به نفع امریکا و نه به نفع افغانستان میباید شد.

به اساس افشاء گری رسانه های منطقه و جهان آقای کرزی بحیث نماینده با اعتماد و دست نشانده امریکا در رسانه ها شهرت پیدا کرده که در کنفرانس بن اول بحیث رئیس دولت افغانستان منصوب گردید. متعاقب در دو دوره انتخابات ریاست جمهوری بدون تقلب!! به کرسی ریاست جمهوری انتخابی مردم راه یافت. در ده سال دوره ریاست جمهوری خود در نقش دنباله رو سیاست ها و منافع امریکا، انگلستان و پاکستان متهم شد. در ۱۲ سال جنگ تروریسم و ضد تروریسم موقوف دوگانه اختیار کرد. پولیس و اردو اش تحت رهبری امریکا در جبهه ضد تروریسم میجنگید و خودش از تروریسم تحت شعار برادرهای آزاده خاطر دفاع و حمایت میکرد. حتی یکتعداد اعضاء و مهره های بنیاد گرایان و تروریستان را در مقام های مهم دولتی در مرکز و ولایات مقرر کرد و صد های دیگر را از حبس و بند آزاد ساخت. ده سال دوره ریاست جمهوری خود را در تقاهم و اطاعت از امریکا سپری کرد. ده سال مردم مظلوم افغانستان را تشنه لبان به کنار دریا برد و تشنه لبان واپس آورد. اما زمینه ایجاد یک قشر فاسد ملیونها و ملیاردرها را فراهم ساخت که سرنوشت مردم را بدست آنها سپرد. اینکه در دو سال اخیر، آقای کرزی موقوف ضد امریکا را در پیش گرفته است موجب نگرانی همه شده است که در عقب این سناریوها چه رازها و رمزهای پیچیده نهفته است که افغانستان را در رشته باریکتر بسته کرده و میکند.

اگر دیپلماسی، فعالیت ها و کارکردهای آقای کرزی، دولت امریکا و حامیان تروریسم و طالبان در ده سال اخیر که بعضی در تاریکی و بعضی در روشنی در افغانستان و منطقه به نمایش گذاشته شده است با دقت بررسی شود این

حقیقت برملاء میشود که همه این بازیگران به نحوی از انحاء در حمایت و تقویت طالبان دست داشته اند که با اهداف پیشروی امریکا در این منطقه جهان با همدیگر سازش و هم‌گرایی دارند. از تلاشهای پشت پرده‌ی بازیگران بحران افغانستان که به بیرون سرایت کرده است افواهاتی شنیده میشود که برنامه‌های روی دست گرفته شده که بعد از خروج عساکر خارجی از افغانستان دولت ائتلافی از طالبان، حزب اسلامی و سایر بنیادگرایان و تیم حاکم آقای کرزی تشکیل خواهد شد. تا بحران افغانستان را در جهت پیشروی تروریسم در ماورای سرحدات افغانستان مدیریت نمایند.

در باره امضاء قرارداد امنیتی هم آقای کرزی و هم دولت امریکا هر اس و نگرانی‌های خود را دارند.
نگرانی آقای کرزی:

ترس از اینکه نامش در تاریخ معاصر افغانستان بحیث شاه شجاع دوم و یا امیر عبدالرحمان خان دوم ثبت نشود. متن قرارداد امنیتی یکجانبه و تحمیلی را که خود شخص با وزیر خارجه امریکا نهایی کرده بود مسئولیت آنرا با لویه جرگه مشورتی شریک ساخت که موفقانه آنرا انجام داد و خود را به زعم خودش از مسئولیت تبرئه کرد.
امضاء موافقتنامه امنیتی را تا ختم انتخابات ریاست جمهوری به تعویق انداخت تا آنرا بالای رئیس جمهور آینده امضاء نماید و بار مسئولیت خود را سبکتر بسازد و پای رئیس جمهور جدید افغانستان را در تلک قرارداد نامتوازن مذکور که در ترتیب و نهایی ساختن متن آن هیچ نقش نداشت ببندد و خود را از مسئولیت بری بسازد. اگر متن قرارداد امنیتی به نفع افغانستان میبود آقای کرزی حتمن آنرا خودش امضاء میکرد.

برای زدودن نامش از دست نشانده امریکا، اتخاذ موقف ضد امریکا برایش راحت روانی و وجدانی میبخشد و در بین گروه‌های مخالف و طرفداران اش هم هویت ملی پیدا میکند که اشتباهات و خطاهای ده سال گذشته خود را بزعم خودش پاک مینماید. غافل از اینکه کارکرد ۱۲ ساله اش ثبت تاریخ شده، پاک شده نمیتواند. تاریخ فریب نمیخورد و سرانجام با ارائه دلایل و اسناد حقایق را ثبت مینماید.

با کنار رفتن آقای کرزی از قدرت در موقف دست نشانده امریکا نه تنها خطر متوجه خودش میشود بلکه تیم آقای کرزی که بالای شان امریکا ملیارد ها دالرسرمایه گذاری کرده نیز متلاشی میشود.

نگرانی امریکا:

امریکا هم نمیخواهد که زعمای دست نشانده اش در ختم دوره زعامت شان بحیث دست نشانده از قدرت کنار بروند بلکه آنها بحیث شخصیت های رنگ شده ملی باید جامه بدل کنند و در نقش ضد امریکا به نفع امریکا از قدرت کنار روند.

هراس امریکا از این است که در بین طالبان و ترورستان خود ساخته، گروه های مختلف و متخاصم نفوذ کرده که هر کدام بنا بر اهداف و برنامه های خود شان میجنگند. امریکا در ۱۲ سال حضور نظامی خود نتوانست طالبان و ترورستان را مهار کند بلکه روزتا روز قویتر و نیرومند تر شده رفتند که امنیت قوای نظامی خارجی ها و افغانستان را به چالش کشانیده اند و شعله های جنگ را در افغانستان شعله و رنگه داشته اند. طالبان هم دیگر برای حامیان شان قابل اعتبار و اعتماد کامل بوده نمیتواند زیرا در بین شان درز ایجاد شده است.

از جانب دیگر امریکا و ناتو در محاصره ترانزیتی رقبای منطقوی خود قرار دارند که گاه گاهی کاروانهای انتقالاتی شان را در خاک پاکستان و افغانستان آتش میزنند که با خشم و خوشی مردم استقبال میشود.

حضور دایمی پایگاههای نظامی امریکا در افغانستان به قدرت های رقیب منطقوی اش بهانه میدهد که بخاطر امنیت ملی شان محاصره امریکا را تنگ تر بسازند. اشتباهات نظامیان امریکا مردمان افغانستان، پاکستان، ایران و سایر کشورهای اسلامی را در منطقه منزجر و آزرده ساخته که دیگر به امریکا اعتماد نمی کنند. در چنین حالات و اوضاع، امریکا در دو راهی قرار دارد که کدام گزینه را انتخاب کند و کدام گزینه به نفع امریکا میباشد.

اکثریت مردم افغانستان و منطقه با عملکرد های امریکا و ناتو شدیدن مخالفت دارند. قدرت های دو قطبی هم آهسته آهسته در بحران افغانستان در گیر شد

میروند و در اطراف افغانستان سنگرسازی دارند تا حضور نظامی امریکا در افغانستان و پیشروی و عبورشان را از خط سرخ به چالش میگیرند.

دور از احتمال نیست که امریکا عدم امضاء قرارداد امنیتی توسط آقای کرزی را بهانه قرار بدهد و با گزینه صفر آبرومندانه از افغانستان خارج شود که احتمال آن ضعیف و بعید به نظر میرسد.

امریکا برنامه راهبردی بزرگتر و فراتر از افغانستان را تعقیب میکند که میتواند هزینه های نظامی و استخباراتی خود را هم از عواید ملیارد ها دالری مواد مخدر و معادن افغانستان جبران کند. به آسانی افغانستان را ترک نمیکند. آقای کرزی بارها قبل این موضوع را به آگاهی مردم رسانیده است.

امریکا که تا زمان اشغال افغانستان به استثنای آقای کرزی و چند مهره محدود دیگر در جامعه افغانی حامیان و طرف داران خاص خود را نداشت بعد از اشغال افغانستان به سرمایه گذاری در قشور مختلف جامعه و بخصوص در بین دولت مردان افغانستان مبادرت ورزید. با سرآزیر شدن ملیارد ها دالر کمک های باریده شده بین المللی به افغانستان بدون حسابدهی حیف و میل شد. صعود سرسام آور عواید قاچاق مواد مخدر و آزاد گذاشتن فساد اداری و مالی، قشر سرمایه داران مافیایی بصورت مصنوعی با ظرفیت های متفاوت در افغانستان زاییده شد که در بین شان سرمایه داران ملیون دالری و غول های ملیارد دالری هم بوجود آمد که سرمایه های دزدیده شده شان را از افغانستان به خارج قاچاق کردند و از کشور خارج ساختند و از سرمایه گذاری در بخشهای زیربنایی در افغانستان جلوگیری کردند و افغانستان را به فقدان سرمایه دچار ساختند.

سرمایه داران مافیایی و دولتمردان افغانستان که خودها را مدیون امریکا میدانستند و میدانند به تگدی پول از امریکا متوصل شده رفتند در فکر استفاده از تریلیونها دالر ذخایر معدنی افغانستان نشدند که استخراج معادن گران بها، کمیاب و زود استخراج افغانستان را در قرارداد های شفاف عقد میکردند که تقاضای شدید در بازار جهانی برای خرید آن وجود داشت و عواید ملی ما را سازمان میدادند و احتیاجات مالی کشور ما را از منابع داخلی برآورده میساختند تا افغانستان به پای خود ایستاده میشد. اما آقای کرزی سیاست اقتصادی اش را به تگدی و کمک های مالی امریکا و خارجی ها منحصر و وابسته ساخت که

امروز افغانستان به قطع کمک ها تهدید میشود اگر شرایط یکجانبه امریکا پذیرفته نشود.

امروز امریکا موضع قوی تر در بین جامعه و دولت افغانستان دارد که نمونه و مدل یک فیصد و ۹۹ فیصد جامعه امریکا را در افغانستان تحمیل و تطبیق کرده است. شبکه‌ات استخباراتی هم طناب ها و جال های شان را در افغانستان گسترده است. منافع یک فیصد ها در افغانستان با منافع امریکا و قدرت های غربی گره خورده است. ۹۹ فیصد ها در افغانستان از همه حقوق و امتیازات در محرومیت بسر میبرند. هیچ کس در فکر شان نیست.

در ۱۲ سال حاکمیت دولت فاسد افغانستان استخراج غیر فنی و غیر قانونی و سرقت معادن افغانستان با شدت ادامه داشت که از آن آقای کرزی و دولت فاسد اش چشم پوشی کردند. که یکعده معادن گران بها و کمیاب در جهان بشمول معادن یورانیم از فهرست معادن افغانستان حذف شده است.

وزیر جوان و کم تجربه معادن که مسئولیت حفاظت و حراست معادن افغانستان را بعهده داشت با سایر وزراء و والیان متهم به فساد قبل از نتایج انتخابات ریاست جمهوری آینده، با کاندید شدن شان در پست ریاست جمهوری و شورا های ولایتی ماهرانه و ابرومندانه از وظیفه شان کنار رفتند، از ترس اینکه اگر نظام جدید مغایر مراد خود و حامیان خارجی شان شکل بگیرد، مورد باز پرس قرار نگیرند.

رئیس جمهور جدید افغانستان باید به وزارت معادن دستور بدهد که لیست معادن سر وی شده افغانستان را با لیست معادن موجود و فعال افغانستان با همه خصوصیات و موقعیت آنها ترتیب و به دفتر ریاست جمهوری ارائه نماید تا دفتر ریاست جمهوری بالای معادن تریلونها دالری افغانستان نظارت داشته باشد که بعد از این معادن افغانستان غیر قانونی استخراج و به سرقت برده نشود.

امریکا و ناتو در این منطقه جهان پیشروی و تسخیر کشورها را با تحریک و سرکوب انقلابها و جنگهای نیابتی تروریستی مرتبط ساخته که در ده سال گذشته از این ابزار در افغانستان و کشورهای اسلامی و عربی استفاده شده است. بخصوص در ۲ سال اخیر جنگ های نیابتی بحیث بزرگترین تهدید امنیتی در افغانستان و منطقه تبدیل شده که ده ها هزار بنیاد گرایان تروریست را در

کشور افغانستان، پاکستان و دیگر کشور های اسلامی در مدارس شیوه پاکستانی تحت تربیه گرفته اند. وزیر تعلیم و تربیه افغانستان دو سال قبل از تربیه ۱۵۰ هزار طالب مدرسه ی خبر داد. معلوم نیست که تا امروز چند هزار طالب دیگر تحت تربیه گرفته شده است. سروصداهایی کشته شدن صدها نفر افغان در جنگهای ترورستی کشور سوریه، افغانها را نگران ساخته که افغانستان در حال و آینده بحیث مرکز تربیه و صدور تروریزم منطوقی و جهانی تبدیل خواهد شد و جنگ در افغانستان نهادینه خواهد شد. در جنگهای نیابتی و ترورستی شرایط مساعد برای استخراج غیر قانونی و سرقت معادن افغانستان و قاچاق مواد مخدر فراهم میشود که باید به هر قیمت ممکنه از آن جلوگیری کرد. آقای کرزی هم نباید با حمایت اش از طالبان در جنگهای نیابتی ترورستی افغانستان بطرول بپاشید.

تروریزم حرفوی و کوراندیش در افغانستان و منطقه محصول و تولید سازمان های استخباراتی منطقه و جهان و وزارت تعلیم و تربیه افغانستان میباشد که جنایات بشری از قبیل سربریدن ها، سنگسار زنان نه مردان، استخدام اطفال دریم های انتحاری و بم گذاریهای جاده ی، جنگ و نا امنی را در افغانستان براه انداخته که مردم افغانستان و خارجی ها را به قتل میرسانند و صلح و ثبات افغانستان را به چالش کشانیده اند. طالبان وسایر بنیاد گرایان در این اعمال زشت وسیع دخیل هستند که مسئولیت آن را همیشه بعهده گرفته اند و میگیرند. آقای کرزی بحیث رئیس جمهور افغانستان روی کدام اصول و موازین اسلامی، انسانی، اعلامیه حقوق بشر و منافع ملی افغانستان از طالبان حمایت مینماید که به کشتار و خون ریزی بیشتر مردم بیگناه افغانستان ادامه میدهند.

به اساس شواهد و اسناد تحریری و ویدیویی های منتشره در رسانه های جمعی جهانی، طالبان را امریکا، انگلستان، عربستان سعودی و پاکستان خلق کردند و بوجود آوردند که تا امروز هم جلو شان در دست همین کشورها است که گاهی مخفی و گاهی علنی از طالبان حمایت مینمایند که مردم آنرا با چشمهای خود دیده اند. در حقیقت جنگ نیابتی ترورستی و جنگ ضد تروریزم در افغانستان از یک منبع مخفی و علنی آب میخورد که افغانها هیچ گونه نقش رهبری در دو جناح جنگ ندارند. از افغانها صرف بحیث ابزار جنگ استفاده میشود.

آقای کرزی آگاهانه و یا ناآگاهانه در صف حامیان طالبان و ضد منافع ملی و مصالح مردم افغانستان سقوط کرده است.

اگر اختلافات آقای کرزی با امریکا زرگری باشد، دیپلماسی منطقی آقای کرزی حساسیت های کشورهای همسایه و منطقه را در برابر موافقتنامه امنیتی کابل و اشننگتن تا حدی کاهش میبخشد. جنگ زرگری آقای کرزی و امریکا در نقش قمارزنی، امریکا را قادر میسازد که با چال صفرش افغانستان را از چالهای طلایی اش منصرف بسازد و امتیازات بیشتر از افغانستان بدست آورد.

در دیپلماسی اخیر آقای کرزی با ایران، پاکستان، هند و کشورهای آسیای میانه چین و روسیه ابهاماتی وجود دارد و واضح نیست که اساس راه بردی و یا تاکتیکی دارد. اگر تاکتیکی باشد، بالای امریکا در آخرین لحظات فشار وارد میکند که به نفع خودش و تیم اش از امریکا امتیاز بگیرد. اگر راه بردی باشد آنرا بهیچصورت مدیریت کرده نمیتواند. عمر حاکمیت اش چند دهه دیگر باقیمانده و در این مدت بار و بستر خود را از قصر ریاست جمهوری بسته بندی میکند. فرصت مدیریت آن را ندارد. در هر صورت دیپلماسی متوازن با همسایه ها و قدرت های شرق و غرب برای افغانستان، منطقه و جهان از اهمیت راهبردی برخوردار است. یگانه راه نجات افغانستان از جنگ و خون ریزی های بیشتر اتخاذ سیاست متوازن بین قدرت های شرق و غرب و همسایه های افغانستان میباشد که در چوکات سیاست تاریخی عدم انسلاک افغانستان، ما شاهد صلح و ثبات دایمی در کشور خود بودیم که تا هنوز در خاطره های ما به یادگار مانده است.

زمانیکه سیاست عدم انسلاک افغانستان به سیاست جانبدار تبدیل شد از همان تاریخ بحران خشونت بار در کشور ما آغاز گردید که تا امروز ملیونها لیتتر خون در کشور ما ریخته شد.

اگر آقای کرزی واقع صلح میخواست زمینه صلح را با سیاست متوازن بین شرق و غرب در چوکات سیاست عدم انسلاک تاریخی افغانستان فراهم میساخت و از حمایت طالبان و ترورستان جنگ طلب دست برمیداشت. دوست را از دشمن و دشمن را از دوست تفکیک مینمود و در راه وحدت سراسری ملی

تلاش مینمود. از حمایت ظلمت اندیشان مذهبی و افراط‌گرایان قومی و نژادی دست برمیداشت. اطفال و نوجوانان افغانستان را به مدارس ترورست پرور نمی‌فرستاد و زمینه تعلیم و تحصیل‌شان را در مکاتب در داخل افغانستان فراهم میساخت.

عمر حاکمیت آقای کرزی عن قریب به سر میرسد، رئیس‌جمهور جدید افغانستان باید از اشتباهات آقای کرزی بیاموزد.

انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در راه است. نتایج این انتخابات نسبت به هر زمان دیگر برای کشور و مردم ما سرنوشت ساز شده است.

خوشبختانه که ژورنالیسم، مطبوعات و رسانه‌ها که بسوی قوه چهارم در جامعه قدم گذاشته‌اند و بسوی پخته‌گی لازم در حال پیشرفت هستند و با آزادی بیان گره خورده است. سیاست امریکا، قوای بین‌المللی و آقای کرزی در مورد آزادی بیان در افغانستان در طول ۱۲ سال قابل ستایش و تمجید میباشند.

جوانان رشید، دانشمند و با شهامت افغانستان که رسالت این امر بزرگ را بعهده گرفته‌اند مایه‌ی امید واری کشور و مردم ما شده‌اند. مفهوم جوان در این نوشته متوجه افغان‌های میشود که افکار و اندیشه‌های نو و جوان و وحدت نظر و عمل مشترک، پیشتاز و پیش‌آهنگ و شهامت لازم را داشته باشند و از زاویه منافع ملی افغانستان به قضایا و بحران کشور برخورد نمایند.

ائتلاف کاندیدان ریاست جمهوری جاری دو ویژگی خاص خود را دارند که با معیارها و شیوه‌های نوین و کهن شکل گرفته است.

بعضی کاندیدان ریاست جمهوری بر مبنای تقسیم قدرت بین اقوام ائتلافی روی صحنه برآمده‌اند که بانظام دموکراسی، اهداف و منافع ملی در تناقض

قرار دارند. همه رای‌دهندگان گوسفند و ارروی معیار، تحریکات و جانب‌داری‌های قومی کارت‌های رای‌شان را به صندوق‌های رای می‌اندازند. بالای

شایستگی کاندیدان اصلن فکر و قضاوت نمیکنند که بالای اصول دموکراسی پا میگذارند. نتایج آن به تقویت نظام قوم‌گرایی در جامعه می‌انجامد که دولت و

جامعه را در خلای هویت ملی، اهداف و منافع ملی مواجه میسازد. حقوق و رای‌آزاد انفرادی رای‌دهندگان هم صلب میشود که در نهایت به ضرر ترقی،

پیشرفت، عدالت اجتماعی و وحدت ملی در کشور تمام میشود. ریشه‌های

دموکراسی در نظام قوم گرایی خشک میشود، زیرا یکی از ارکان اساسی دموکراسی احزاب سیاسی میباشد که بدون نقش احزاب سیاسی دموکراسی و انتخابات شفاف مفهوم خود را از دست میدهد.

مزید بر آن بیسوادان، جنایت کاران، مفسدین، بنیاد گرایان و افراط گرایان قومی هم میتوانند در رأس قدرت دولتی راه پیدا کنند و جامعه را در فساد و تاریکی همچنان نگه دارند.

بعضی دیگری از کاندیدان در ائتلاف احزاب سیاسی باهم آهنگ سازی اهداف، برنامه ها و مرامهای ملی روی صحنه برآمده اند که با نظام و اصول دموکراسی مطابقت کامل دارد. حقوق و آزادیهای انفرادی رای دهندگان هم تضمین میشود. دولت و جامعه را بسوی ترقی، پیشرفت، عدالت اجتماعی و یک ملت شدن رهبری و رهنمایی میکند. شخصیت های نخبه احزاب سیاسی در رهبری دولت راه پیدا میکنند. بر ضد فساد، تفرقه افگنی قومی و عقیدتی که به منافع کشور و مردم ما سخت صدمه رسانده، مبارزه مینمایند تا ریشه های آنرا در جامعه خشک بسازند. سرانجام وحدت ملی در جامعه برقرار و تضمین میشود و جامعه بسوی ترقی، پیشرفت، بهروزی، مساوات و عدالت اجتماعی سوق و رهبری میشود.

نقش قوای چهارم در این زمینه در روشن ساختن اذهان مردم از اهمیت خاص برخوردار است که حقایق را بیان نمایند و مردم را در انتخاب کاندید شایسته ملی سوق و رهنمایی نمایند. بدون کار مشترک، پیگیر و خسته ناپذیر هیچ امر بزرگ ملی برآورده شده نمیتواند.

پیروزی کاندید جبهه متحد احزاب میتواند فساد، قانون شکنی، بیعدالتی و امتیاز طلبی ها را در جامعه مهار کند. مشروط بر اینکه تشکل احزاب ماهیت ملی داشته باشد نه قومی و شبکات استخبارات خارجی در رهبری شان نفوذ پیدا نکند که تجارب تلخ گذشته افغانستان بار دیگر تکرار نشود. نقش زنان در انتخابات.

خواهران عزیزوگرامی، هر روزیکه یک بخش از جنایات مردان وحشی در برابر زنان مظلوم افغانستان به اسم و رسم های گوناگون افشاء و به آگاهی عامه رسانیده میشود و بی کیفرباقی میمانند، همه مردم نجیب افغانستان را دلهره و نگران ساخته است. باید شما از خود دفاع نمایید. زنان در افغانستان

بیشتر از پنجاه فیصد نفوس کشور را تشکیل می‌دهند که در انتخابات ریاست جمهوری نقش تعیین کننده دارند. باید از این حق و قدرت رای دهی تان استفاده کنید و حقوق تان را بدست بیاورید. همه تان در انتخابات ثبت نام نمایید. دوست و دشمنان تان را در کاندیدان ریاست جمهوری تشخیص نمایید تا فریب نخورید. همه تان به یک کاندید شایسته، صادق، وطن دوست که در فساد و جنایات دست اش آلوده نباشد و سوابق نیک داشته باشد رای بدهید تا در دولت آینده افغانستان نفوذ و حاکمیت قوی تر داشته باشید. در موقف ضعیف هیچ خواست شما بر آورده نمیشود. باید به این اصل متوجه شوید که حق داده نمیشود، گرفته میشود. اینکه چطور میتوانید همه زنان نجیب افغانستان را در مرکز و ولایات کشور متحد بسازید و یک کاندید مطلوب تان را به آگاهی همه زنان برسانید که همه برایش رای بدهند، از چالش ها و وجایب خود تان میباشد که این امر بزرگ را چطور در عمل پیاده مینمایید. به یقین کامل جامعه مدنی، حقوق بشر و نسل جوان کشور در کنار شما ایستاده خواهند شد.

از علماء، دانشمندان اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی توقع میرود که یک کمیون از نخبگان شان را به شمول نمایندگان زنان و جوانان تشکیل نمایند. اوضاع فعلی و آینده افغانستان را مورد تحقیق، تدقیق و بررسی قرار بدهند و یک رهنمود علمی و عملی را برای عملکرد دولت مردان و سیاست مداران افغانستان طرح و تدوین نمایند و مشروعیت قانونی آنرا از مراجع قانونی کسب نمایند، تا اداره و سیاست در افغانستان در چوکات برنامه های سنجیده شده ملی تنظیم شود و از خود سری ها، اشتباهات و خطاهای گذشته جلوگیری شده بتواند. هیچ گروه دیگری به این امر علاقه ندارند.

از خداوند متعال آرزو میکنم که با همه کم و کاست ها و دسایسی که در جامعه ما حکم فرماست برای جوانان و مردم افغانستان توفیق عنایت فرماید که از همه این معضلات و مشکلات با عقلانیت و درایت پیروز بدر آیند. ومن الله توفیق.

۲۱ جنوری ۲۰۱۴